

## تحلیل و نقد شیوه و رویکرد تاریخ‌نگاری سبط ابن جوزی در گزارش واقعه عاشورا براساس کتاب تذکرة الخواص

محسن رنجبر\*

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل شیوه و سبک تاریخ‌نگاری یکی از عالمان و مورخان نیمه نخست قرن هفتم نامور به شمس‌الدین یوسف بن قزاوغلی معروف به «سبط ابن جوزی» می‌پردازد. باتوجه به آن‌که این مورخ شیوه و رویکرد خاصی در گزارش واقعه عاشورا و حوادث و مسائل پیرامونی آن دارد، بررسی و تحلیل گزارش وی نکات قابل توجه و تأملی را فراروی محققان قرار می‌دهد. افزون‌براین، نویسنده در گزارش عاشورا، از منابع و مقاتلی بهره برده است که اکنون در دسترس نیست؛ بنابراین، مطالعه و واکاوی گزارش او، افزون‌بر آن‌که آگاهی نسبی از ساختار و محتوای آن‌ها را برای اندیشه‌ورزان تاریخ فراهم می‌سازد، تاحدودی نیز احیا و بازسازی آن‌ها را با کمک آثار دیگر فراهم می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی، واقعه عاشورا، امام حسین (ع).

### ۱. مقدمه

در میان آثار و نگاه‌های عالمان و نویسندگان اهل سنت درباره قیام عاشورا، کتاب تذکرة الخواص من الائمة بذکر خصائص الائمة (ع) نگاشته سبط ابن جوزی<sup>۱</sup> از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. علت این اهمیت را در امور ذیل می‌توان خلاصه کرد:

\* استادیار گروه تاریخ، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، Ranjbar@qabas.net  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۲

نخست آن‌که نویسنده از منابع بسیاری در نگارش واقعه عاشورا بهره برده است که چنین امتیاز و ویژگی‌ای را در منابع معاصر و حتی قرون پیش و پس از وی در این حوزه کم‌تر می‌توان یافت. دوم آن‌که عمده گزارش‌های خود را با ذکر منبع و راوی آن در آغاز هر گزارش سامان داده است که این امر شناسایی مأخذ هر خبر و ناقل هر گزارش را برای اهل فن و به‌ویژه پژوهش‌گران تاریخ عاشورا آسان ساخته است. سوم، برخی از منابع مورد استفاده وی از منابع و مقاتل قرون اولیه است که اکنون موجود نیست و می‌توان با تکیه بر این نگاشته و برخی از آثار دیگر، افزون‌بر آگاهی نسبی از ساختار و محتوای آن‌ها و گرایش‌ها و رویکردهای نویسندگان آن‌ها، تاحدودی به احیا و بازسازی آن‌ها پرداخت.

## ۲. منابع و شیوه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری ابن جوزی در گزارش عاشورا

سبط ابن جوزی نزدیک به یک‌سوم (یعنی ۱۶۸ صفحه) از جلد دوم کتاب *تذکره الخواص* را در قالب باب نهم، به شرح زندگانی و قیام امام حسین (ع) و حوادث پس از آن اختصاص داده است (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۱۵-۲۸۲). وی در آغاز پس از آن‌که به کنیه، القاب، و تاریخ ولادت آن حضرت اشاره کرده، برخی از اخبار مربوط به مناقب و منزلت و جایگاه خاص حسنین (ع) و امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا نزد رسول خدا (ص) و نیز برخی از گزارش‌ها را درباره مواضع امام حسین (ع) در برابر خلیفه دوم و مروان آورده است. او سپس ذیل عنوان «ذکر سیرته مختصراً» به گزارش قیام عاشورا پرداخته است که با گزارش مرگ معاویه و بیعت‌ستانی یزید آغاز می‌گردد. در ادامه، پس از پرداختن به ماجرای مأموریت مسلم در کوفه و قیام وی و نیز حضور امام حسین (ع) در کربلا، به گزارش مقتل و شهادت آن حضرت پرداخته است. اسامی شهدای بنی‌هاشم، ماجرای ارسال سرها و اسرا به دربار ابن‌زیاد و سپس به دربار یزید، برخی از مرثی‌های درباره حسین (ع)، برخی از حوادث خارق‌العاده پس از شهادت آن حضرت، گزارش‌نامه یزید به ابن‌عباس و پاسخ او به یزید، و اسامی و تعداد فرزندان آن حضرت از دیگر موضوعات این باب است. نویسنده دو فصل پایانی این باب را به شرح عقوبت و کیفر کشندگان امام حسین (ع) و یارانش، واقعه حرّه، قیام توأبین و مختار، و آگاهی‌هایی درباره شخصیت و مثالب یزید و جواز لعن بر او اختصاص داده است (همان: ۲۴۹-۲۸۲).

اما شیوه تاریخ‌نگاری سبط ابن‌جوزی این‌گونه است که او گزارش واقعه و حوادث پیرامونی آن را در قالب چند عنوان و فصل می‌آورد و معمولاً در ابتدای هر عنوان، ابتدا

به‌صورت ترکیبی، گزارش‌های مشترک و موردپذیرش مورخان و سیره‌نگاران را با تعبیری همانند «قال اهل السیر» (همان: ۱۲۹)، «قال علماء السیر» (همان: ۱۴۱، ۱۴۹)، «ذکر علماء السیر» (همان: ۲۵۴)، یا با ذکر نام چند مورخ و سیره‌نگار آورده است (همان: ۱۸۲، ۲۳۷) و سپس به گزارش‌های متفرد درباره هر موضوع پرداخته است.

نکته مهم و شایان توجه و تأمل در گزارش سبط ابن‌جوزی بهره‌گیری بسیار او از گزارش‌های برخی از مقاتل کهن و کتب سیره‌نویسان و مورخان متقدم است که اکنون اثری از آن‌ها نیست، اما با توجه به آن‌که نویسنده برخی از اخبار را از آن کتاب‌ها بدون واسطه نقل کرده است، به نظر می‌رسد که او نسخه‌ای از آن‌ها را در اختیار داشته است. این نکته حاکی از آن است که مقاتل و آثار یادشده تا نیمه قرن هفتم و پیش از یورش فراگیر مغول به بلاد اسلامی موجود بوده است.

چنان‌که توجه و اهتمام او به گزارش‌های واقصدی (د ۲۰۷ ق) (همان: ۱۳۳-۱۳۴، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۵۱) و هشام بن محمد بن سائب کلبی (د ۲۰۴ یا ۲۰۶ ق) (۱۳۵-۱۳۶، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۵-۱۸۷، ۱۹۸-۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۶-۲۰۷، ۲۲۱، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۵۴)، شاگرد ابومخنف که بیش‌تر گزارش‌های او همان گزارش‌های استادش ابومخنف است، در گزارش واقعه بر اهمیت و ارزش این اثر افزوده است. البته نویسنده در برخی جاها، چنان‌که در ادامه می‌آید، گزارش‌هایی را از هشام نقل کرده است که یا منقول از استادش ابومخنف نیست یا معلوم نیست از او باشد. وجود این نوع گزارش‌ها این دیدگاه را تقویت می‌کند که هشام کلبی اخبار درخور توجهی از این واقعه را در مقتل خود از غیر ابومخنف نقل کرده است که با توجه به فقدان مقتل هشام در عصر حاضر، وجود این گزارش‌ها در نگاشته امثال سبط ابن‌جوزی مغتنم و حائز اهمیت و توجه است.

از دیگر محدثان، مورخان، و مقتل‌نویسانی که نویسنده از آثار آن‌ها در نگارش گزارش واقعه و حوادث و مباحث پیرامونی آن بهره برده است می‌توان به این افراد اشاره کرد: عامر بن شراحیل شُعبی (د ۱۰۳ ق) (همان: ۱۷۹، ۱۸۶، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۶)؛ مُجاهد بن جَبْر (د ۱۰۴ ق) (همان: ۱۹۷)؛ محمد بن سیرین (د ۱۱۰ ق) (همان: ۱۵۰، ۱۸۲، ۲۳۳)؛ درباره شرح حال او، بنگرید به ذهبی ۱۴۱۳ ق: ج ۴، ۶۰۶-۶۲۲؛ ابن حجر عسقلانی ۱۴۰۳ ق: ج ۹، ۱۹۰-۱۹۲)؛ محمد بن مسلم بن شهاب زُهری (د ۱۲۴ ق) (همان: ج ۲، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۱۴-۲۱۵، ۲۱۸-۲۲۰، ۲۴۹)؛ و اسماعیل بن عبدالرحمان ابی کریمه سُلَی کوفی (د ۱۲۷ ق<sup>۴</sup> یا ۱۲۹ ق<sup>۵</sup>) (سبط ابن‌جوزی: ج ۲، ۱۳۳، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۳۳، ۲۵۳). هم‌چنین ابومخنف

ماجرای دعوت امام حسین (ع) برای پیوستن زهیر بن قین به آن حضرت را به نقل از سُدی گزارش کرده است (طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۳۹۶)، از اصحاب امامان چهارم، پنجم، و ششم (ع) (طوسی ۱۴۱۵ ق: ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۶۰)، محمد بن اسحاق<sup>۶</sup> (د ۱۵۱ ق) (سبط ابن جوزی: ۱۴۵، ۱۸۲، ۲۳۷)، عبدالملک بن هشام<sup>۷</sup> (۲۱۸ ق) (همان: ۲۰۱-۲۰۲)، مدائنی (د ۲۲۵ ق) (همان: ۱۷۹، ۱۸۶، ۲۲۵)، محمد بن سعد (د ۲۳۰ ق) (همان: ۱۵۷-۱۵۸، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۹۹-۲۰۰، ۲۱۳-۲۱۴، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۴۷، ۲۵۹، ۲۶۱-۲۶۲)، احمد بن حنبل (د ۲۴۱ ق) (همان: ۲۳۶)، عبدالله بن عمرو وراق (د ۲۷۴ ق) (همان: ۱۹۱، ۲۰۸)، بلاذری (د ۲۷۹ ق) (همان: ۱۹۸، ۲۰۸)، ابن ابی الدنيا (د ۲۸۱ ق) (همان: ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۷، ۱۹۹)، طبری (همان: ۱۵۵، ۱۸۵، ۲۰۵)، مسعودی (همان: ۱۶۱)، و ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی (جد مادری نویسنده) (همان: ۱۵۴، ۲۲۹-۲۳۰، ۲۴۹، ۲۶۶، ۲۶۹-۲۷۱).

نکته دیگر آن که نویسنده در برخی موارد، بدون مشخص کردن دقیق پایان هر گزارش منقول، ادامه گزارش‌ها را با تعبیری همانند «ثم»، «لما»، «قلت»، و ... بدون ذکر مأخذ آورده است که به نظر می‌رسد در صورت عدم احتساب و الحاق ادامه گزارش به قبل آن، نویسنده یا گزارش‌های بی‌مأخذ را مشهور و مورد اتفاق و پذیرش مورخان و سیره‌نگاران دانسته است، در نتیجه، ذکر مأخذ آن را ضرورت ندانسته است (برای نمونه، بنگرید به همان: ۱۳۰-۱۳۲، ۱۳۸-۱۴۴، ۱۴۶-۱۴۷، ۱۴۹-۱۵۰، ۱۵۲-۱۵۳، ۱۵۹-۱۶۳، ۱۶۵-۱۷۱، ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۵۵-۲۶۱، ۲۶۳-۲۶۴، ۲۷۶-۲۷۹) یا یک گزارش و خبر را براساس دیدگاه‌ها و بررسی‌ها و جمع‌بندی‌های خود ترجیح داده و آن را آورده است.<sup>۸</sup> چنان‌که در برخی موارد، به بیان اقوال مختلف درباره یک موضوع پرداخته، اما در آغاز (برای نمونه، بنگرید به همان: ۲۰۶) یا پایان آن (برای نمونه، بنگرید به همان: ۱۶۶) قول مختار را بیان کرده است.

افزون‌براین، نویسنده در برخی موارد، به سنت و روش مورخان و محدثان متقدم، برخی از گزارش‌ها را با ذکر سلسله سند آن نقل کرده است (همان: ۱۱۹-۱۲۳، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۶۹-۲۷۰).

نکته آخر آن که سبط ابن جوزی هرچند امویان و کارگزاران آنان را به هر شیوه‌ای مورد جرح و تنقیص قرار می‌دهد (همان: ۱۲۷)، اما چون عامی‌مذهب است و وفادار به خلفای سه‌گانه، می‌کوشد تا رابطه خلفا را با ائمه (ع) و از جمله حسنین (ع) مناسب و نیکو جلوه دهد. برای نمونه، او به نقل از ابن عباس گزارش می‌کند که خلیفه دوم حسنین (ع) را دوست داشت و آن دو را بر فرزندش، عبدالله بن عمر، مقدم می‌داشت! عمر به هریک از آن

دو ده‌هزار درهم داد! اما به فرزندش هزار درهم! عبدالله چون به پدرش اعتراض کرد، عمر در پاسخ او به برتری جد، پدر، مادر، جده، و دیگر خویشان حسنین (ع) استدلال کرد (همان: ۱۲۵-۱۲۶).

در مجموع، گزارش نویسنده از واقعه عاشورا از آغاز تا فرجام و حوادث پیرامونی آن از نکات تازه و ویژگی‌های خاصی برخوردار است که فهرست‌وار در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

### ۳. گزارش‌های نو و درخور توجه و تأمل

۱. گزارش نامه مفصل یزید به ابن عباس مبنی بر بازداشتن امام حسین (ع) از قیام و پاسخ ابن عباس به وی به نقل از واقدی<sup>۹</sup> (همان: ۱۳۴-۱۳۶).
۲. تهدید ابن زیاد به کشتن اشراف کوفه، در صورتی که آنان حاضر به پراکنده کردن افراد قبایل خود از گرد مسلم بن عقیل نشوند (همان: ۱۴۳).
۳. چگونگی شهادت طفل شیرخوار امام (ع) به نقل از هشام کلبی<sup>۱۰</sup> (همان: ۱۶۴).
۴. بیان اقوال پنج‌گانه درباره کشته شدن امام حسین (ع). البته از دیدگاه نویسنده، قول صحیح‌تر آن است که سنان بن انس نخعی با مشارکت شمر آن حضرت را شهید کردند (همان: ۱۶۶-۱۶۷).
۵. گزارش قرآن به دست گرفتن امام حسین (ع) و اتمام حجت آن حضرت با سپاه عمر سعد، و ... به نقل از هشام کلبی (همان: ۱۶۳-۱۶۴).
۶. گزارش سخنان توهین آمیز عمرو بن حجاج، فرمانده جناح راست سپاه عمر سعد، خطاب به امام (ع) که این سخنان گران‌تر و سخت‌تر از منع آب بر آن حضرت بود، به نقل از واقدی (همان: ۱۵۲).
۷. گزارش تکفین امام حسین (ع) توسط شجره غلام زهیر بن قین<sup>۱۱</sup> (همان: ۱۸۱).
۸. ماجرای اسیری امام سجاد (ع) نزد مردی از کوفیان به نقل از واقدی<sup>۱۲</sup> (همان: ۱۸۷).
۹. گزارش توهین ابن زیاد به سر مبارک امام حسین (ع) به پیش نهاد کاهن او به نقل از هشام کلبی (همان: ۱۸۵).
۱۰. جریان تقویر سر امام حسین (ع) به نقل از مقتل عبدالله بن عمرو و راق<sup>۱۳</sup> (د ۲۷۴ ق) (همان: ۱۹۱).
۱۱. اعتراض سفیر قیصر روم به یزید به نقل از هشام کلبی<sup>۱۴</sup> (همان: ۱۹۹-۲۰۰).

۱۲. بیان پنج قول درباره مکان دفن سر امام (ع). او در پایان افزوده است که هرچاکه سر و پیکر امام (ع) باشد، در قلب‌ها و دل‌ها جای داشته و در اعماق دل‌ها و خاطره‌ها زنده است (همان: ۲۰۶-۲۰۹).
۱۳. بیان قول الحاق سر به بدن و دفن آن به نقل از هشام و اشهر دانستن آن (همان: ۲۰۶).
۱۴. توصیف سر آویخته حضرت عباس بر گردن اسب حرمله بن کاهل اسدی در کوفه به نقل از هشام کلبی و او به نقل از قاسم بن اصیغ بن ثباته (همان: ۲۵۲-۲۵۳).
۱۵. فرجام بد حرمله بن کاهل اسدی به نقل از هشام کلبی و او به نقل از قاسم بن اصیغ بن ثباته (همان: ۲۵۳).
۱۶. نامه یزید به ابن عباس (پس از شهادت امام (ع)) و پاسخ وی به نقل از واقدی، هشام، ابن اسحاق، و دیگران<sup>۱۵</sup> (همان: ۲۳۷-۲۴۰).
۱۷. تصمیم یزید بر قتل ابن عباس پس از خواندن پاسخ نامه او به نقل از واقدی (همان: ۲۴۰).
۱۸. گفته یزید زمانی که آن مرد شامی درخواست کرد که فاطمه دختر حسین (ع) به او واگذار شود: «من حق دارم شما را اسیر کنم!»؛ به نقل از ابن جوزی (جد نویسنده) (همان: ۲۷۷).
۱۹. تکریم و تجلیل و اعطای اموال و هدایا به ابن زیاد توسط یزید پس از شهادت امام (ع) به نقل از ابن جوزی (جد نویسنده) (همان: ۲۷۷).
۲۰. اشاره به اجباری بودن ازدواج سکینه دختر امام حسین (ع) با مُصعب بن زبیر (همان: ۲۴۴).
۲۱. خواستگاری اجباری عبدالرحمان بن ضحاک بن قیس فهّری، حاکم مدینه، از فاطمه دختر امام حسین (ع) و عدم پذیرش او ... (همان: ۲۴۸).
۲۲. گزارش حسدورزیدن مختار به سلیمان بن سرد و ادعای نیابت وی از سوی محمد بن حنفیه بدون ذکر مأخذ (همان: ۲۵۶).

#### ۴. تلخیص، حذف، یا نقل به معنا سبب تفاوت در گزارش‌ها

از دیگر ویژگی‌های گزارش واقعه عاشورا در کتاب تذکرة الخواص آن است که نویسنده در موارد بسیاری، به تلخیص و نیز نقل غیردقیق تعابیر و جملات اخبار مورخان متقدم یا

حذف قسمتی از یک خبر یا حتی نقل به‌معنا در نقل گزارش‌های مقاتل و منابع کهن، به‌ویژه گزارش‌های هشام کلبی کرده است. این امر سبب ابهام یا حتی در مواردی، اشتباه در نقل گزارش‌های آنان شده است. در مجموع، گزارش مؤلف تفاوت‌هایی با گزارش‌های منابع کهن موجود به‌ویژه گزارش طبری از هشام دارد که این موضوع با بررسی و مقایسه قابل‌اثبات است:

۱. ماجرای دستگیری قیس بن مُسهر صیداوی و شهادت وی به‌نقل از هشام کلبی (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۴۸؛ مقایسه شود با طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۳۹۴-۳۹۵).
۲. گزارش شش‌سطری بسیار مختصر، مبهم، و نارسا از اعلام حمله عمر سعد به سپاه امام (ع) در عصر تاسوعا و حوادث شب عاشورا به‌نقل از هشام کلبی (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۵۶؛ مقایسه شود با طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۴۲۰-۴۲۱).
۳. اسامی شهدای بنی‌هاشم و قاتلان آنان به‌نقل از هشام کلبی (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۷۲-۱۷۸؛ مقایسه شود با طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۴۶۸-۴۶۹).
۴. جریان ارسال سرها و اسرا به دربار ابن‌زیاد به‌نقل از هشام کلبی، واقدی، و ابن‌اسحاق (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۸۲؛ مقایسه شود با طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۴۵۵-۴۵۶).
۵. ماجرای حضور امام سجاد (ع) در مجلس ابن‌زیاد و تهدید به کشتن او توسط ابن‌زیاد به‌نقل از هشام کلبی (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۸۶؛ مقایسه شود با طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۴۵۸).
۶. گزارش توهین ابن‌زیاد به اهل بیت (ع) و پاسخ دندان‌شکن حضرت زینب به او به‌نقل از هشام کلبی (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۸۷-۱۸۸؛ مقایسه شود با طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۴۵۷). البته نویسنده در این‌جا ترتیب وقایع را رعایت نکرده و این گزارش را پس از گزارش گفت‌وگوی ابن‌زیاد با امام سجاد (ع) (گزارش پیشین) آورده است.
۷. ماجرای درخواست مرد شامی از یزید که فاطمه دختر امام حسین (ع) را به او ببخشد و واکنش حضرت زینب به این موضوع به‌نقل از هشام کلبی (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۲۰۳-۲۰۴؛ مقایسه شود با طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۴۶۱).
۸. گزارش جریان قیام توابع به‌نقل از هشام کلبی (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۲۵۴-۲۵۵؛ مقایسه شود با طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۵۵۲).
۹. گزارش ارسال سر امام (ع) به شام و دستور یزید به زنان خود برای برپایی سه روز عزاداری (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۹۹؛ مقایسه شود با ابن‌سعد ۱۴۰۸ ق: ۱۹۱-۱۹۲).

۱۰. اظهار تأسف ربیع بن خُتیم از شهادت امام (ع) سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۲۱۵؛ مقایسه شود با ابن سعد ۱۴۰۸ ق: ۱۹۶).
۱۱. اشعار سلیمان بن قُتّه در رثای امام حسین (ع) (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۲۲۷؛ مقایسه شود با ابن سعد ۱۴۰۸ ق: ۲۰۱).
۱۲. گزارش کوتاه مشاهده خون زیر هر سنگ پس از شهادت امام (ع) سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۲۳۲؛ مقایسه شود با ابن سعد ۱۴۰۸ ق: ۱۹۹-۲۰۰).

## ۵. گزارش‌های واقدی

واقدی از دیگر مورخان و مقتل‌نویسان متقدم معاصر با هشام کلبی است که مقتل الحسین او نیز از میان رفته است، اما به نظر می‌رسد سبط ابن جوزی نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته و در تدوین و سامان‌دهی این کتاب از آن بهره برده است. اگرچه بسیاری از گزارش‌های واقدی همان گزارش‌های هشام است یا دست‌کم شباهت بسیاری با گزارش‌های وی دارد، برخی از آن‌ها منحصر به فرد است و تنها و نخستین راوی آن واقدی است. البته برخی از این گزارش‌ها را محمد بن سعد نیز آورده است، اما با توجه به آن‌که ابن سعد شاگرد و کاتب واقدی است، به نظر می‌رسد او آن گزارش‌ها را از استادش واقدی گرفته است. بنابراین، با بررسی گرایش‌های راویان این اخبار یعنی واقدی و شاگردش ابن سعد و مطالعه محتوایی اخبار آن‌ها می‌توان به میزان اعتبار اخبار این دو مورخ رهنمون شد. در ادامه، به مهم‌ترین این گزارش‌ها پرداخته می‌شود:

۱. گزارش تفصیلی محتوای نامه یزید به ابن عباس مبنی بر بازداشتن امام حسین (ع) از قیام و پاسخ ابن عباس به وی<sup>۱۶</sup> (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ۱۳۴-۱۳۶).
۲. ماجرای نکوهش امام حسین (ع) توسط عبدالله بن عمر که با خروج خود از مکه و روانه شدن به سوی کوفه در طلب دنیا است!<sup>۱۷</sup> (همان: ۱۳۸).
۳. سخنان توهین‌آمیز عمرو بن حجاج، فرمان‌ده جناح راست سپاه عمر سعد، خطاب به امام (ع) که این سخنان دشوارتر و گران‌تر از منع آب بر آن حضرت بود (همان: ۱۵۲).
۴. ماجرای اسیری امام سجاد (ع) توسط مردی از کوفیان<sup>۱۸</sup> (همان: ۱۸۷).
۵. گزارش ارسال سرها به مدینه و گریه و بی‌تابی زنان اهل بیت (ع) (همان: ۲۱۲).
۶. تصمیم یزید بر قتل ابن عباس پس از خواندن پاسخ نامه او (همان: ۲۴۰).
۷. گزارش چرایی و چگونگی نابینایی پیرمرد کوفی (همان: ۲۵۱).



## ۶. گزارش‌هایی متفاوت از هشام کلبی

چنان‌که گفته شد، یکی از ویژگی‌های روایت نویسنده از واقعه عاشورا استناد به گزارش‌های مقتل‌نویسان نخستین از جمله هشام کلبی، شاگرد ابومخنف و راوی مقتل او، است. اما این ویژگی زمانی بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد که نویسنده گزارش‌هایی را از هشام نقل می‌کند که به‌هیچ‌رو در منابع متقدم همانند تاریخ طبری، که ناقل اخبار مقتل هشام کلبی (طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۳۵۶، ۳۸۶، ۴۰۱، ۴۰۹، ۴۴۹، ۴۵۵، ۴۵۹، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۶۷) نیز است، منعکس نشده است. درباره چنین رویکردی دو احتمال وجود دارد. نخست آن‌که مقتل هشام به همان سرنوشت مقتل استادش ابومخنف دچار شده است و همان‌طور که گزارش‌های مجعول و ضعیف به‌نام ابومخنف از همان قرون اولیه در آثار بعدی راه یافته است، جاعلان و خبرسازان اخباری نیز جعل کرده و به هشام نسبت داده‌اند تا اخبار یادشده مورد توجه و پذیرش نسل‌های بعدی قرار گیرد.

اما احتمال دوم، که قابل‌پذیرش‌تر به نظر می‌رسد، آن است که مورخانی همانند طبری که گزارش‌گر اخبار مقتل هشام نیز است، به‌عللی از جمله گرایش‌های اعتقادی و مذهبی‌اش، به همه گزارش‌های او نپرداخته است. اما سبط ابن جوزی، که در قرن هفتم نسخه‌ای از مقتل هشام را در اختیار داشته، همه یا بیش‌تر آن اخبار به‌جای‌مانده را به‌ویژه اخبار هشام از غیر ابومخنف را در کتاب خود آورده است. به هر تقدیر، مهم‌ترین گزارش‌هایی که نویسنده به‌نقل از هشام آورده است و در منابع متقدم بر‌عصر نویسنده یا وجود ندارد یا به‌نقل از غیر هشام است (همانند گزارش ۶) یا مسلم نیست ناقل آن هشام باشد (همانند گزارش ۷ و ۸) چنین است:

۱. گزارش قرآن‌به‌دست‌گرفتن امام حسین (ع) و اتمام حجت آن حضرت با سپاه عمر سعد، و ... (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۶۳-۱۶۴؛ مقایسه شود با طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۴۲۴-۴۲۵).

۲. چگونگی شهادت طفل شیرخوار (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۶۴).

۳. گزارش توهین به سر مبارک امام حسین (ع) توسط ابن‌زیاد به پیش‌نهاد کاهن او (همان: ۱۸۵).

۴. اعتراض سفیر قیصر روم به یزید به‌نقل از هشام و او از پدرش (همان: ۱۹۹-۲۰۰).

۵. الحاق سر مطهر امام (ع) به بدن و دفن آن (همان: ۲۰۶).

۶. نامه یزید به ابن‌عباس (پس از شهادت امام (ع)) و پاسخ وی (همان: ۲۳۷-۲۴۰).

۷. توصیف سر آویخته حضرت عباس بر گردن اسب حرمله بن کاهل اسدی در کوفه به‌نقل از قاسم بن اصبع بن نباته<sup>۱۹</sup> (همان: ۲۵۲-۲۵۳).
۸. فرجام بد و سیاه حرمله بن کاهل اسدی به‌نقل از قاسم بن اصبع بن نباته (همان: ۲۵۳).

## ۷. افتراق و تفاوت‌های گزارش ابن جوزی با گزارش‌های مشهور

از دیگر نکات شایان توجه این کتاب تفاوت ناقلان برخی از گزارش‌ها با ناقلان اخبار و گزارش‌های مشهور است.

۱. نویسنده ناقل گزارش قرائت آیه شریفه «فخرج منها خائفا يترقب...» توسط امام حسین (ع) هنگام خروج از مدینه را اسماعیل بن عبدالرحمان ابی کریمه سُدی دانسته است، درحالی‌که طبری ناقل آن را ابومخنف دانسته است (همان: ۱۳۳).
۲. مؤلف نامه یزید به ابن عباس (پس از شهادت امام (ع)) و پاسخ وی را به‌نقل از واقدی هشام و ابن اسحاق آورده است (همان: ۲۳۷)، درحالی‌که، چنان‌که گفته شد، خوارزمی این گزارش را با ذکر سلسله سند آن به‌نقل از «شقیق بن سلمه» نقل کرده است. اما چون آثار واقدی، هشام، و ابن اسحاق موجود نیست، معلوم نیست آنان از چه کسی یا کسانی این خبر را نقل کرده‌اند.

## ۸. گزارش‌های غیرمعتبر

درکنار گزارش‌های معتبر و قابل توجه نویسنده، برخی از گزارش‌های او غیرمعتبر و یا دست‌کم ضعیف است:

۱. تأیید مجدد پیش‌گویی ابن عباس توسط امیرالمؤمنین (ع) در جریان گزارش بازداشتن ابن عباس امام حسین (ع) را از توقف در مکه و پیش‌نهاد رفتن به یمن<sup>۲۰</sup> (همان: ۱۳۷). به‌نظر می‌رسد انتساب چنین سخنی به امیرالمؤمنین (ع) ساخته و پرداخته مورخان عصر عباسی باشد که اولاً، اعتقادی به مقام عصمت و علم غیب ائمه (ع) ندارند، ثانیاً، برای خوش‌آمد خلفای عباسی چنین فضیلتی را برای ابن عباس نگاشته‌اند تا با این شیوه از خلفای عباسی نیز ستایش کرده باشند.
۲. دعا و طلب آمرزش امام حسین (ع) برای برادرش امام حسن (ع) در شب عاشورا به‌سبب پیش‌گویی درست آن حضرت درباره فریب و بی‌وفایی کوفیان. او پیش از آن،

این سخن و وصیت نامعتبر را به امام حسن (ع) نسبت داده است که هنگام وفات به برادرش امام حسین (ع) فرمود: خدا منع کرده که میان ما اهل بیت نبوت و دنیا یا خلافت و سلطنت را با هم قرار دهد! (همان: ۱۵۹).

۳. احتساب حضرت عباس به‌عنوان نخستین شهید از بنی‌هاشم به‌نقل از شعبی (همان: ۱۸۰).

۴. ارسال سر امام (ع) و سرهای دیگر شهیدان به کوفه نزد ابن‌زیاد توسط عمر سعد (همان: ۱۸۲). اما براساس گزارش منابع معتبر (بلاذری ۱۴۱۷ ق: ج ۳، ۴؛ طبری ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۴۵۵)، سر امام (ع) در روز عاشورا به‌همراه خوئی بن یزید و حمید بن مسلم به کوفه فرستاده شد.

۵. استشهاد امام سجاد (ع) به آیه‌ای از قرآن در برابر خواندن شعر «حُصین بن حِمام مُرّی» توسط یزید (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۱۹۸). اما براساس گزارش طبری، استشهاد آن حضرت در برابر یک ادعای ناحق و نابه‌جای یزید بود (مقایسه شود با گزارش طبری، ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۴۶۱).

۶. گزارش مفصل درباره‌ی ارتباط و هم‌نشینی سکینه دختر امام حسین (ع) با شعراء ادبا، و فضلا<sup>۲۱</sup> (سبط ابن جوزی ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ۲۴۵-۲۴۷).

## ۹. نتیجه‌گیری

از آنچه نگاشته شد می‌توان به این نتیجه‌ی رهنمون شد که هرچند سبط ابن جوزی از مورخان مسلمان سده‌های میانی است، اما تاریخ‌نگاری و رویکرد تاریخی (تاریخ‌نگری) او به قیام عاشورا از معاصرانش و حتی برخی از مورخان متقدم بر او متمایز است. سبب این تمایز را می‌توان در این دو امر خلاصه کرد: نخست، در اختیار داشتن شمار قابل‌توجهی از منابع و مقاتل اولیه و نیز اخبار و گزارش‌های پراکنده از محدثان اولیه که اکنون موجود نیست. این ویژگی، در کنار بیان بسیاری از گزارش‌ها با ذکر ناقل یا مآخذ آن، بررسی‌سندی و محتوایی اخبار منابع و مقاتل کهن مورد استفاده نویسنده را تا حد زیادی آسان ساخته است. دوم، دیدگاه معتدل مذهبی او که به‌جز خلفای سه‌گانه، شخصیت و عملکرد خلفا و حاکمان اموی و عباسی و کارگزارانشان و به‌ویژه مسببان واقعه‌ی عاشورا را موردنکوهش و هجمه قرار داده و رفتار آنان را با علویان و به‌ویژه اهل بیت (ع) محکوم کرده و مردود دانسته است. این امتیاز سبب‌شده تا گزارش او تا حد زیادی منصفانه و قابل‌پذیرش باشد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. درباره شخصیت، زندگی، آثار، و مذهب وی، بنگرید به جمعی از محققان ۱۳۷۴ ش: ج ۳، ۲۷۸-۲۸۱ (مدخل ابن جوزی یا سبط ابن جوزی)؛ مقدمه تحقیق کتاب *تذکرة الخواص*، تحقیق حسین تقی‌زاده؛ مقاله «معرفی و بررسی کتاب *تذکرة الخواص* نگاشته سبط ابن جوزی»، به قلم نگارنده، فصل‌نامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۱۳۹۲ ش، ش ۳۵. در مقاله یادشده به زندگی، مذهب، و شخصیت علمی وی و معرفی و نقد و بررسی محتوایی کتاب *تذکرة الخواص* پرداخته شده که از تکرار آن در این نگاشته پرهیز شد.
۲. مسعودی ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۴۳۷؛ ذهبی ۱۳۸۲ ق: ج ۴، ۳۰۵؛ ابن عماد حنبلی ۱۴۰۶ ق: ج ۳، ۲۷.
۳. ابن ندیم [بی‌تا]: ۱۰۸؛ ذهبی ۱۳۷۴ ق: ج ۸، ۳۴۳.
۴. مزّی ۱۴۰۶ ق: ج ۳، ۱۳۸؛ ذهبی ۱۴۱۳ ق: ج ۵، ۲۶۵؛ ذهبی ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ۱۶؛ ابن حجر عسقلانی ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ۲۷۴.
۵. مزّی ۱۴۰۶ ق: ج ۳، ۱۳۸.
۶. باتوجه به آن که ابن اسحاق کتاب *المغازی* خود را در سه قسمت «المبتدأ و المبعث و المغازی» سامان داده است و این کتاب، چنان که از نامش پیداست، نمی‌تواند مشتمل بر گزارش واقعه عاشورا باشد، پرسش آن است که آیا ابن اسحاق اثر یا آثار دیگری نیز داشته که سبط ابن جوزی اخبار عاشورا را از آن‌ها نقل کرده است؟ پاسخ آن است که آثاری دیگری همانند کتاب *الخلفاء* که ابن ندیم از آن یاد کرده است ([بی‌تا]: ۱۰۵) و کتاب *الفتوح* به ابن اسحاق نسبت داده شده است که اکنون موجود نیست، اما به نظر می‌رسد آثار یادشده در اختیار سبط ابن جوزی بوده است. بنابراین، محتمل است سبط ابن جوزی گزارش تاریخ عاشورا را از کتاب *الخلفاء* یا کتاب *الفتوح* وی، که به احتمال قوی بخشی از هردو یا یکی از آن‌ها درباره واقعه عاشورا بوده است، نقل کرده باشد. البته چون هیچ‌یک از این دو اثر برجای نمانده است و تنها پاره‌ای از کتاب *الخلفاء* مربوط به مقتل عمر و ماجرای شورای شش نفره انتخاب خلیفه به جای مانده است، قضاوت قطعی در این باره دشوار است. برای آگاهی بیش‌تر در این باره، بنگرید به سرگین ۱۴۱۲ ق: ج ۱، الجزء الثاني، ۸۹-۹۱؛ جمعی از نویسندگان ۱۳۷۴ ش: ج ۳، ۹ (مدخل «ابن اسحاق»).
۷. در این که او نیز نگاشته‌ای مستقل درباره واقعه عاشورا داشته یا سیره ابن اسحاق را توسعه داده و ضمن نگارش تاریخ عمومی اسلام، به واقعه کربلا نیز پرداخته است یا همانند ابن اسحاق کتابی درباره خلفا یا فتوحات اسلامی داشته و ضمن آن به قیام عاشورا پرداخته احتمالاتی است که جای بحث و بررسی بیش‌تر دارد.
۸. برای نمونه، نویسنده فقط درباره تعداد زخم‌های بدن امام حسین (ع) و آمار پارگی لباس آن حضرت یک قول را بیان کرده است (همان: ۱۶۸-۱۶۹).

۹. البته ابن سعد (۱۴۰۸ ق: ش ۱۰، ۱۶۸-۱۶۹) و بعدها ابن عساکر (۱۴۱۴ ق: ۲۹۶-۲۹۷) به پیروی از او، به اختصار و با تفاوت‌هایی، به نامه یزید و پاسخ ابن عباس پرداخته‌اند.

۱۰. البته مستوفی هروی مترجم کتاب *الفتوح* در قرن ششم (یک قرن پیش‌تر از سبط ابن جوزی) مشابه گزارش نویسنده را بدون ذکر منبع این‌گونه آورده است:

[حسین بن علی (ع)] طفل شیرخوار خود را که علی اصغر نام داشت و از تشنگی اضطراب می‌نمود، در پیش زین گرفته میان هردو صف بُرد و آواز برآورد: ای قوم، اگر من به‌زعم شما گناه‌کارم، این طفل گناهی نکرده او را جرعه‌ای آب دهید. چون آواز حسین شنیدند، یکی از آن گروه تیری به‌سوی آن حضرت روان کرد. آن تیر بر گلوئی آن طفل شیرخواره آمد و از آن‌سوی بر بازوی حسین (ع) رسید. آن حضرت تیر را بیرون آورد و هم در آن ساعت آن طفل جان بداد. آن سرور آن طفل را آورد و به مادرش داد و فرمود: بگير فرزند خود را که از حوض کوثر سیراب گردید (مستوفی هروی ۱۳۷۲ ش: ۹۰۸).

۱۱. نویسنده مأخذ این گزارش را نیاورده است، اما تنها منبع متقدم بر این خبر مقتل الحسين ابن سعد است که به‌نظر می‌رسد او از واقدی نقل کرده است (ابن سعد ۱۴۰۸ ق: ۱۹۰).

۱۲. البته تنها گزارش کهن در این باره گزارش ابن سعد است که به‌نظر می‌رسد او نیز از واقدی گرفته است (ابن سعد ۱۴۰۸ ق: ۱۸۸). این گزارش بسیار بعید و دور از واقعیت است، از این‌رو، نمی‌توان پذیرفت.

۱۳. البته خوارزمی پیش‌تر از وی به جریان تقویر سر امام (ع) اشاره کرده است (خوارزمی ۱۴۱۸ ق: ج ۲، ۵۸).

۱۴. خوارزمی این گزارش را با سلسله سند و با اضافات و تفصیل بیش‌تر به‌نقل از امام سجاد (ع) بیان کرده است (۱۴۱۸ ق: ج ۲، ۸۰-۸۱). سیدابن طاووس نیز این خبر را به‌صورت مرسل از امام سجاد (ع) نقل کرده است (۱۳۸۳ ش: ۲۲۰-۲۲۲).

۱۵. یعقوبی (بی‌تا: ج ۲، ۲۴۷-۲۵۰) پیش‌تر از سبط ابن جوزی، با تفاوت‌هایی، و نیز خوارزمی (د ۵۶۸ ق) و ابن‌اثیر این گزارش را نقل کرده‌اند، اما نکته‌شایان توجه آن‌که خوارزمی این گزارش را با ذکر سلسله سند و به‌نقل از «ابووائل شقیق بن سلمة» (د ۸۲ ق) نقل کرده است (خوارزمی ۱۴۱۸ ق: ج ۲، ۸۵-۸۷). هم‌چنین ابن‌اثیر این گزارش را به‌نقل از «شقیق» اما مرسل نقل کرده است (۱۳۸۵ ق: ج ۴، ۱۲۷-۱۲۸). به‌نظر می‌رسد گزارش واقدی، هشام، و ابن‌اسحاق دست‌کم با یک سلسله سند دیگر بوده است.

۱۶. ابن سعد (۱۴۰۸ ق: ۱۶۸-۱۶۹) و به‌پیروی از او، ابن عساکر (۱۴۱۴ ق: ۲۹۶-۲۹۷) به اختصار و با تفاوت‌هایی به نامه یزید و پاسخ ابن عباس پرداخته‌اند.

۱۷. البته تنها منبع متقدم بر *تذکرة الخوادم* مقتل الحسين ابن سعد است که او نیز از استادش واقدی گرفته است (همان: ۱۶۶).

۱۸. البته تنها منبع متقدم بر تذکرة الخواص مقتل الحسين ابن سعد است که او نیز از استادش واقدی گرفته است (همان: ۱۸۸).
۱۹. البته فقط شیخ صدوق این خبر و ادامه آن را، که فرجام بد حرمله باشد، نقل کرده است (۱۳۶۸ ش: ۲۱۸-۲۱۹).
۲۰. مؤلف نخستین بار تأیید پیش‌گویی ابن عباس توسط امیرالمؤمنین (ع) را در جریان حوادث نبرد صفین و قرآن بر سر نیزه کردن سپاه معاویه آورده است (همان: ج ۱، ۴۲۴).
۲۱. در رد این ادعا، بنگرید به سید عبدالرزاق مقرر، ۱۴۲۲ ق؛ سید محمدعلی الحلو ۱۳۸۶ ش، ترجمه محمد خنیفرزاده.

## کتاب‌نامه

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دار الفکر.
- ابن سعد، محمد (۱۴۰۸ق)، «ترجمة الحسين (ع) و مقتله»، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، *مجله تراثنا*، ش ۱۰.
- ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة‌الله شافعی (۱۴۱۴ق)، *ترجمة الامام الحسين □ من تاریخ دمشق*، تحقیق محمدباقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
- ابن عماد حنبلی دمشقی، شهاب‌الدین ابوالفلاح عبدالحی بن احمد (۱۴۰۶ق)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، تحقیق عبدالقادر و محمود ارنووط، بیروت: دار ابن کثیر.
- ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی‌یعقوب اسحاق (بی‌تا)، *کتاب الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، بی‌جا.
- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب بن جعفر (بی‌تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *کتاب جمل من انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
- جمعی از محققان (۱۳۷۴ ش)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۳، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد (اخطب خوارزم) (۱۴۱۸ق)، *مقتل الحسين □*، تحقیق محمد السماوی، قم: دار انوار الهدی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۳۷۴ق)، *تذکرة الحفاظ*، بیروت: دار التراث العربی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۳۸۲ق)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دار المعرفة.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.

تحليل و نقد شیوه و رویکرد تاریخ‌نگاری سبط ابن جوزی در ... ۱۴۵

ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳ ق)، *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق جمعی از محققان، بیروت: مؤسسة الرسالة.

سبط ابن جوزی، شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف بن حسام‌الدین قزواغلی بن عبدالله (۱۴۲۶ ق)، *تذکره الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة (ع)*، تحقیق حسین تقی‌زاده، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمي لاهل البيت (ع).

سزگین، فؤاد (۱۴۱۲ ق)، *تاریخ التراث العربی*، نقله الی العربیة: محمود فهمی حجازی (المجلد الاول: الجزء الثاني فی التدوین التاريخی)، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.

سیدابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر (۱۳۸۳ ش)، *المهوف علی قتلى الطفوف*، تحقیق و تقدیم فارس تبریزیان (الحسّون)، تهران: دار الاسوة.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۶۸ ش)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم: منشورات الرضی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۵ ق)، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی. مزّی، جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف (۱۴۰۶ ق)، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة.

مستوفی هروی، محمد بن احمد (۱۳۷۲ ش)، *ترجمة الفتوح*، تحقیق غلام‌رضا طباطبایی مجد، تهران: انقلاب اسلامی.

مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹ ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجرة. مقرّم، سیدعبدالرزاق (۱۴۲۲ ق)، *السيدة سکینه*، بیروت: دار الاضواء.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی